

شیخ عزالدین قسام؛ مبارز ضد استعمارگری



www.taghrib.org

شیخ عزالدین قسام در سال ۱۸۸۱ میلادی مصادف با ۱۲۶۱ شمسی، در روستای (جبله) واقع در بخش لاذقیه سوریه در خانواده مذهبی متولد شد.

پدرش شیخ عبدالقادر مصطفی قسام، از کارمندان حوزه علوم شریعت اسلامی بود و مادرش حلیمه قصاب، در یک خانواده تحصیل کرده و مذهبی پرورش یافته بود. پدر قسام در مکتب خان روستا به اهالی، قرآن کریم، زبان عربی، خط و ریاضیات آموزش می‌داد و با یاد دادن سرودهای دینی، روحیه جهاد و حماسه را در میان ساکنان روستا بر می‌انگیخت، وی همچنین برای مدتی بازپرس ویترا دادگاه بود.

عزالدين قسام در مكتب خانۀ روستا خواندن، نوشتن و تلاوت قرآن را آموخت و در اين زمينه از تمامي هم سن و سالان خود برتر بود. قسام در ۱۴ سالگي براي كسب علوم ديني به دانشگاه الازهر مصر رفت و مدت ۸ سال در آنجا اقامت نمود و از محضر اساتيد آن دانشگاه و از جمله شيخ محمد عبده استفاده نمود. در سال ۱۹۰۶ عزالدين قسام پس از ده سال علم اندوزي و كسب معرفت در الازهر و اخذ دانشنامه از اين دانشگاه به جبله بازگشت و سپس براي آشنا شدن با شيوۀ تدريس در دانشگاه‌هاي تركيه، به اين کشور سفر كرد. پس از بازگشت از تركيه مانند پدرش در مسجد سلطان بن ادهم قطب الدين به تدريس مشغول شد. وي به كودكان روستاي جبله خواندن، نوشتن، حفظ قرآن كريم و علوم حديث آموخت و در مسجد المنصوري واقع در مركز اين روستا، نماز جمعه به پا مي داشت. قسام و يارانش در زمان سكونتشان در حيفا كه پناهگاه كشاورزان فقيري بود كه در نتيجه حمله اشغالگران، خانه هايشان در روستاها تخریب و موطن مهاجران يهودي شده بود براي بهبود اوضاع معيشتي كشاورزان، تلاش بسياري مي كردند. وي با برپايي كلاس هاي شبانه به مبارزه با بي سوادى برخاست. اندكي نگذشت كه كشاورزان ساكن منطقه شمالي و كارگران به شيخ احترام ويژه اي گذاردند و شيفته اخلاق و منش خداپسندانه وي شدند.

بعدها وی از سوی مجلس اعلای اسلامی به عنوان امام جماعت مسجد «استقلال» حيفا که در آن روزها از مراکز مهم فعالیت صهیونیستها بود انتخاب شد و با فن سخنوری بالایی که داشت مردم را بر جهاد علیه صهیونیستها دعوت می کرد و به موازات آن علیه فرقه های ضاله چون قادیانیه و بهائیت که آن منطقه را با پشتیبانی انگلیسیها تبدیل به منطقه نفوذ خود نموده بودند مبارزه می کرد. قسام علاوه بر مسئولیت امام جماعت مسجد استقلال به عنوان «مسئول قانونی امور ازدواج و طلاق»، منسوب گردید.

قسام بعدها به ریاست «جمعیت جوانان مسلمان» که در سال ۱۹۲۷ تاسیس شده بود رسید.

فعالیت سیاسی و اجتماعی محل کار و تدریس وی همواره پناه و ملجا جنبش ملی فلسطین بود. بعدها، وی از سوی مجلس اعلای اسلامی به عنوان امام مسجد «استقلال» حيفا و «مسئول قانونی امور ازدواج و طلاق»، منسوب گردید. وظایف و اموری که در حيفا به عهده قسام گذارده شد این فرصت را به وی داد که هرچه بیشتر با توده مردم به ویژه گروه های متعهد و روشنفکر، تماس نزدیک برقرار کند. در آن زمان حيفا از مراکز مهم فعالیت صهیونیست ها محسوب می شد. قسام بعدها به ریاست «جمعیت جوانان مسلمان» که به سال ۱۹۲۷ تشکیل گردیده بود، رسید. وی از

این طریق توانست با مردم ارتباط بیشتری برقرار کند و آنچه را که انتظار داشت، به دست آورد و آن تشکیل گروهی بود که «هسته انقلاب» علیه استعمار و صهیونیسم شد. وی پس از چند سال سکونت در حیفا به آرزویش رسید و یک گروه زیرزمینی تشکیل داد. دو اصل این گروه آن بود که هر عضو باید خودش اسلحه اش را تامین کند و دیگر این که در حد مقدور باید به گروه کمک مالی نماید.

بارقه های مبارزه با استعمار عزالدین قسام در کنار فراگیری علم، به جنبش های آزادی خواه نیز توجه خاصی داشت و به دلیل احاطه بر علوم اسلامی و دیدگاه های استقلال طلبانه و ضد استعماری خود وجهه و اعتبار والائی نزد مردم سوریه، مصر، لبنان و فلسطین یافت و از قدرت و نفوذ فوق العاده ای نزد مردم خاورمیانه برخوردار شد. به همین دلیل فرانسه و انگلستان که قدرتهای استعماری آن روز بوده و کشورهای خاورمیانه را طی پیمانی میان خود تقسیم کرده بودند، به او به عنوان دشمن خود می نگریستند. قسام در مصر با استعمار انگلیس و سلطه آن بر ملت و ذخایر ملی این کشور آشنا شد و در همان وقت در اندیشه ضرورت مبارزه با نیروهای استعمارگر بود.

سازماندهی تشکیلات قسامیون وظایف و اموری که در حیفا به عهده قسام بود این فرصت را به وی

داد که هر چه بیشتر با توده مردم به ویژه گروه‌های متعهد و روشنفکر، ارتباط برقرار کند و در سال ۱۹۲۵ میلادی، به هدفش که تشکیل یک گروه زیر زمینی یا همان گروه «هسته انقلاب» با انگیزه مبارزه علیه استعمار و صهیونیسم بود رسید.

او در حالیکه به شغل وکالت در حیفا مشغول بود، به روستاهای فلسطین سرمی‌زد و در تماس‌های خود با کشاورزان در روستاها و نمازگزاران توانست شماری از نیروها و عناصر انقلابی را جذب کند و در هسته های مخفی سازمان دهد.

قسام تمام فعالیت خویش را که همان مبارزه علیه تشکیل دولت یهود بود، در پنهانی کامل انجام می‌داد و فقط اشخاصی که سال‌ها مورد آزمایش وی قرار گرفته و سلامت و راز نگهداری خود را اثبات نموده بودند، از فعالیت و تشکیلات او آگاهی داشتند.

طرفداران قسام بیشتر از طبقه کارگران، کشاورزان و فروشنده‌گانی بودند که در جلسات درس وی نیز حاضر می‌شدند و قسام آنان را به ضرورت جهاد و آماده شدن برای نبرد مسلحانه به هنگام قیام مردمی، آشنا می‌نمود.

افراد نامزد عضویت برای مدتی تحت کنترل و آموزش قرار می گرفتند. هر شخصی که قصد ورود به تشکیلات قسامیون را داشت با ادای سوگند با خدا پیمان می بست تا ضمن تعهد به راستگویی و درستکاری، تمامی احکام اسلام را رعایت کرده و پاسدار ایدئولوژی اسلامی باشد.

پس از پذیرش عضویت افراد در تشکیلات، علاوه بر آموزشهای نظامی به آموزشهای مذهبی نیز اهمیت داده می شد. هر یک از اعضا مکلف بود در حد توان، تعدادی از آیات و احادیث جهاد در راه خدا را حفظ نماید. اعضا همچنین درسهایی در مورد جنگهای صدر اسلام می آموختند.

او از افراد خود گروه‌های کوچکی متشکل از یک مسئول و ۵ نفر عضو، به وجود آورد. اعضای هر یک از این گروه‌ها تنها همدیگر و قسام را می‌شناختند و هیچ‌گونه آگاهی از اعضای گروه‌های دیگر نداشتند.

در کنار این گروه‌ها وی به تشکیل کادرهای رهبری، عمدتاً از افراد سرشناس سازمان، اقدام نمود. از جمله کادر آموزش نظامی، کادر جمع‌آوری پول و امکانات، کادر روابط مردمی و سیاسی، کادر تهیه اسلحه و کادر کسب اطلاع از وضعیت انگلیس و صهیونیسم. از مهمترین کادرهایی که قسام تشکیل داد، کادر تبلیغات انقلاب بود. وظیفه این گروه، توجیه مردم به عدم همکاری و اعتماد به انگلیس بود و توصیه به این که تنها راه رسیدن به اهداف، جهاد در راه خداست، و بی‌توجهی به دسیسه‌های صهیونیسم و انگلیس که سعی در برهم زدن یکپارچگی مردم داشتند. تمام اعضای تشکیلات زیرزمینی قسام، نزد مردم ناشناخته بودند و فقط پس از شهادت قسام، نام بعضی از این اعضا دانسته شد.

قسام در سال ۱۹۲۸ میلادی، ۱۲ گروه جهادی را مرکب از (العبد قاسم ، محمد زعروره، محمود صال محمد و خلیل محمد عیسی) مشهور به ابوابراهیم الکبیر را پایه ریزی نمود.

عملیات مبارزان قسام گردان‌های شهید عزالدین قسام شاخه نظامی جنبش مقاومت اسلامی حماس که به یمن نام مبارک شیخ قسام و پایبندی به اصولی که تا رسیدن به لحظه پرافتخار شهادت بدان پایبند بود، این نام را برای خود برگزید و مقاومت را تنها راه آزادی سرزمین فلسطین اشغالی از یوغ دشمنان صهیونیست می‌داند. عملیات مبارزان قسامی تنها به حمله به شهرک‌های اشغالی صهیونیست‌ها خلاصه نمی‌شد و شامل تعقیب و شکنجه کسانی می‌شد که با رژیم صهیونیستی همکاری کرده و برای سازمان اطلاعات انگلیس جاسوسی و یا به فروش اراضی به یهودیان و دلالتی برای آنان می‌کردند. مبارزه با گشتی‌های ارتش و پلیس، بستن راه‌ها و حمله به قرارگاه‌های ارتش و مراکز پلیس، حمله به نگهبانان شهرک‌های یهودی نشین و بمب‌گذاری، از دیگر اقدامات مبارزان قسامی شمار می‌آمد. عملیات‌های قسام بسان روحی تازه در کالبد فلسطینیان دمیده شد و آنان را به تکاپو واداشت، دولت انگلیس اعلام کرد که هر کس

درباره مجریان این عملیات اطلاعاتی ارائه دهد، پاداش خوبی دریافت خواهد کرد. این عملیات در واقع در دل و جان یهودیان رعب و وحشت افکنده بود. یهودیان نخستین باری بود که می دیدند علیه آنان عملیات های نظامی صورت می گیرد.

دولت انگلیسی و یهود از ترس این عملیات ها جاسوس های خود را در مناطق مختلف مستقر کردند و با کمترین شک نسبت به کسی، او را بازداشت می کردند.

بدین ترتیب تحرکات و فعالیت های گروه قسام با مشکلات متعددی مواجه گردید. پلیس انگلیس توانست درباره نیرو و تجهیزات نظامی و مکان عملیات این گروه اطلاعاتی جمع آوری کند.

اولین عملیات، در سال ۱۹۳۱ میلادی، علیه آبادی صهیونیست نشین (الیا جور) در نزدیکی حیفا به وقوع پیوست که طی آن سه صهیونیست به هلاکت رسیدند. این عملیات علیه مستعمره های صهیونیست نشین همواره استمرار داشت.

حوادث سالهای ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ که طی آن، روند مهاجرت صهیونیستها به اسرائیل، گرایش صهیونیستها به تشکیل گروههای تروریستی با کمک اسراییل و نیز توسعه زمینهای اسرائیلی شتابی فزاینده و قابل توجه یافت؛ قسام را وادار نمود که پیش از فراهم آمدن امکانات و نیرو، عملیات نظامی را آغاز کند.

مهاجرت سیل آسای یهودیان با انجام اعمال تروریستی گروههای یهودی علیه سکنه مسلمان و عرب فلسطین صورت می گرفت. هدف

صهیونیستها فراری دادن اعراب فلسطینی و جایگزین ساختن یهودیان تازه وارد بوده است.

با صدور فرمان قسام، زنجیره‌ای از عملیات نظامی علیه مناطق صهیونیست نشین و گشتی‌های ارتش بریتانیا و پلیس به وقوع پیوست. این عملیات به صورت تک‌های چریکی و غافلگیرانه و به شکل جنگ و گریز، انجام می‌شد. این اقدامات انقلابی منجر به وارد شدن خسارات زیادی به زمین‌های کشاورزی و دارایی‌های صهیونیست‌ها و کشته شدن چند تن از نیروهای انگلیسی و صهیونیست گردید. عملیات مسلحانه و ترور دشمنان، روز به روز افزایش می‌یافت، اما طولی نکشید که قسام و همزمان وی تصمیم گرفتند که حرکت خود را آشکار کنند که در ۱۹۳۵ به شکل مبارزه مسلحانه و خونین علیه استعمارگران انگلیس و تروریستهای یهودی درآمد.

قیام علیه استعمار فرانسه

عزالدین قسام همزمان با شکل‌گیری قیام اسلامی شیعیان عراق علیه قوای استعمارگر انگستان در ۱۹۱۹، نهضتی را در شمال سوریه همراه با شیخ صالح علی از علمای مبارز سوریه، علیه قوای استعمارگر فرانسه به راه انداخت.

در این قیام یک ساله که عزالدین و مرحوم عمر بیطار از طلایه داران جهاد مسلحانه رهبری می‌کردند، تلفات قابل ملاحظه‌ای به نیروهای اشغالگر فرانسوی وارد آوردند.

فرانسوی‌ها تلاش کردند تا با دادن پیشنهادهایی فریبنده نظیر

دادن پست و مقام های عالی، شیخ را از ادامه مبارزه بازدارند، اما او به تمامی این پیشنهادها پاسخ رد داد. اصرار قسام بر مقاومت دادگاه نظامی فرانسه در لاذقیه را بر آن داشت تا حکم اعدام وی و شماری از یارانش را صادر کند. سپس شیخ به منظور رها شدن از تعقیب فرانسوی ها به دمشق و از آنجا به فلسطین رفت.

ارتباط با مردم شیخ عزالدین قسام فردی جذاب، خوش برخورد و سخنوری توانا بود. وی از ۱۹۲۹ که به عنوان مسئول قانونی امور ازدواج و طلاق تعیین گردید و به روستاها هم سر می کشید و در مجالس ازدواج شرکت می کرد. از این طریق بود که علاوه بر ارتباط با مردم، از اوضاع و اخبار جامعه نیز باخبر می شد.

از دوستان وی نقل شده است که او با روشنفکران و طرفداران روش های مسالمت آمیز در مبارزه، به بحث می پرداخت. در مسجد سخنرانی می کرد و با دقت نمازگزاران را زیر نظر داشت و هر کس را برای مبارزه آماده و مهیا می دید، جذب می کرد و وی را به مبارزه برای رهایی فلسطین، دعوت می نمود. قسام تمام فعالیت خویش را که همان مبارزه علیه تشکیل دولت ملی یهود بود، در پنهانی کامل انجام می داد و فقط اشخاصی که سال ها مورد آزمایش

وی قرار گرفته و سلامت و راز نگهداری خود را اثبات نموده بودند، از فعالیت و تشکیلات او آگاهی داشتند.

وی مردم را در دعوت به بیداری و آگاهی علیه نقشه‌های شوم استعمار و صهیونیسم، به اتحاد و یکپارچگی فرا می‌خواند و با دمیدن روح جهاد در آنان، همگی را به پیروزی از تجربیات گذشتگان ترغیب می‌کرد.

طرفداران قسام
طرفداران قسام بیشتر از طبقه کارگران، کشاورزان و فروشنده‌گانی بودند که در جلسات درس وی نیز حاضر می‌شدند و قسام آنان را به ضرورت جهاد و آماده شدن برای نبرد مسلحانه به هنگام قیاس مردمی، آشنا می‌نمود.

با گذشت زمان، هسته انقلاب، با سرعت زیاد گردهم آمدن شکل گرفت. وی نیز با توانایی شگفت‌انگیز، افراد جدید را در تشکیلات خویش رهبری می‌کرد. او از افراد خود گروه‌های کوچکی متشکل از یک مسئول و ۵ نفر عضو، به وجود آورد. اعضای هر یک از این گروه‌ها تنها همدیگر و رهبر (قسام) را می‌شناختند و هیچ گونه آگاهی بر اعضای گروه‌ها نداشتند. وی به تشکیل کادرهای رهبری، عمدتاً از افراد سرشناس سازمان، اقدام نمود. از جمله، کادر آموزش نظامی، کادر جمع‌آوری پول و امکانات، کادر روابط مردمی و

سیاسی، کادر تهیه اسلحه و کادر کسب اطلاع از وضعیت انگلیس و صهیونیسم. از مهمترین کادرهایی که قسام تشکیل داد، کادر تبلیغات انقلاب بود. وظیفه این گروه، توجیه مردم به عدم همکاری و اعتماد به انگلیس بود و توصیه به این که تنها راه رسیدن به اهداف، جهاد در راه خداست، و بی توجهی به دسیسه‌های صهیونیسم و انگلیس که سعی در برهم زدن یکپارچگی مردم داشتند. تمام اعضای تشکیلات زیرزمینی قسام، نزد مردم ناشناخته بودند و فقط پس از شهادت قسام، نام بعضی از این اعضا دانسته شد.

تشکیلات مسلحانه
قسام در تعدادی از روستاهای استان شمالی، تشکیلات مسلحانه زیرزمینی، سازمان داده بود. وظیفه این گروه درگیری با نیروهای انگلیس و کمک به مجاهدین به هنگام درگیری ایشان با صهیونیست‌ها و انگلیسی‌ها بود. بعدها که فعالیت سازمان زیرزمینی قسام علنی شد، تعداد زیادی از همین جوانان وطن پرست، به آن ملحق شدند. قسام مراحل انقلاب را به شرح زیر برنامه ریزی کرده بود:

- ۱- اعتماد به نفس و ترویج روحیه قیام مسلحانه؛ ۲- تشکیل گروه‌های زیرزمینی ۳- تشکیل کمیته‌های رهبری برای جمع آوری کمک جهت تهیه اسلحه ۴- انقلاب مسلحانه.

شروع عملیات نظامی
قسام در طول انجام این برنامه، همراه با دیگر همکارانش، تلاش

می‌کردند تا نفرات بیشتری را جذب کنند و آموزش دهند تا پس از تکمیل نفرات لازم و فرا رسیدن وقت مناسب، انقلاب سراسری فلسطین آغاز شود. ولی حوادث ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ وی را واداشت تا پیش از فراهم آوردن امکانات و نفرات، عملیات نظامی را آغاز کند. عوامل مهم این تغییر برنامه عبارت بود از: ۱- هجرت وحشت آور صهیونیست‌ها به فلسطین ۲- گرایش صهیونیست‌ها به تشکیل گروه‌های تروریست با کمک انگلیس؛ ۳- توسعه زمین‌های صهیونیست‌ها و فعالیت شدید زمینداران، خائنان و جاسوسان به نفع دشمن.

وقتی که قسام فرمان عملیات مسلحانه علیه دشمن را صادر کرد، هیچ یک از مردم و یا انگلیسی‌ها و صهیونیست‌ها چیزی از سازمان وی نمی‌دانستند. زیرا او در حیفا به انجام کارهای روزانه مشغول بود و همه وی را می‌دیدند. سازمان انقلابی قسام تنها دوستان رزمنده و هشتصد نفر هوادار داشت. با صدور فرمان قسام، زنجیره‌ای از عملیات نظامی علیه مناطق صهیونیست نشین و گشتی‌های ارتش بریتانیا و پلیس به وقوع پیوست. این عملیات به صورت تک‌های چریکی و غافلگیرانه و به شکل جنگ و گریز، انجام می‌شد. این اقدامات انقلابی منجر به وارد شدن خسارات زیادی به زمین‌های کشاورزی و دارایی‌های صهیونیست‌ها و کشته شدن چند تن از نیروهای انگلیسی و صهیونیست گردید.

عملیات مسلحانه و ترور دشمنان، روز به روز افزایش می‌یافت، اما طولی نکشید که قسام و هم‌زمان وی تصمیم گرفتند که حرکت خود را آشکار کنند. هدف آنان از این تصمیم، بیان اهداف الهی خود، بالا بردن روحیه سلحشوری در مردم و خنثی کردن تبلیغات دشمن بود که سعی در مخدوش نمودن اهداف و ماهیت گروه قسام داشت و شایع کرده بود که هدف مهاجمان، غارت اموال و سلب آسایش مردم است.

آشکارشدن نهضت

بالاخره، افزایش تعداد مهاجران یهودی به فلسطین و مسلح شدن صهیونیست‌ها در ۱۹۳۵ وضع را به حدی بحرانی کرده بود که دیگر مخفی نگه داشتن نهضت، جایز نبود. لذا قرار شد که عملیات از مناطق کوهستانی شمال فلسطین، آغاز گردد. نیروهای انگلیسی در پی آگاهی از امکان آغاز عملیات از منطقه یعبد در حيفا به جستجوی وسیعی برای دستگیری قسام، که نمی‌دانستند آیا در حيفا به سر می‌برد یا در یعبد، دست زدند. آنها پس از ناکامی در قدم اول، در حالی که هواپیماهای شناسایی مشغول گشت بر فراز یورش بودند، به یعبد، محل استقرار نیروهای قسام یورش بردند. پس از ۵ رزو درگیری، هنگامی که نیروهی اشغالگر از حضور شخص قسام بین مجاهدان اطمینان یافتند، حمله سختی بر گروه قسام وارد کردند که با رشادت و پایداری نیروهای

انقلابی با شکست مواجه شد. پس از این شکست، انگلیس با فرستادن تعدادی از افراد پلیس عرب و دوستان قسام، سعی در به تسلیم کشاندن وی را داشت ولی قسام و همزمان او، با رد تسلیم و سازش، مبارزه تا نیل به شهادت را برگزیدند.

حمله دشمن و شهادت قسام
نیروهای دولتی در پی حمله‌ای دیگر برآمدند و با انواع زره پوش، تانک و هواپیما، هجوم گسترده و سنگینی را علیه نیروهای قسام صورت دادند. انقلابیون پس از اطلاع از این هجوم سنگین، به قسام پیشنهاد کردند با محافظان خود، از صحنه جنگ بیرون رود ولی او این پیشنهاد را نپذیرفت و آماده جنگ و شهادت شد.
در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۳۵، درگیری سختی بین انقلابیون و نیروهای دولتی به وقوع پیوست و طی آن تعداد زیادی از افراد دشمن کشته و گروهی از انقلابیون به شهادت رسیدند و جمع دیگری زخمی شدند. در عصر همین روز درگیری دیگری شروع شد و طی آن شیخ عزالدین قسام شهید و عده دیگری از همزمانش مجروح گردیدند. پس از شهادت قسام، دیگر همزمان وی با شکستن حلقه محاصره، به شمال فلسطین گریختند و جنازه فرمانده شهید خود را به شهر حيفا بردند.
برای شرکت در مراسم تشییع جنازه قسام، تعداد زیادی از رهبران و بزرگان فلسطین راهی حيفا شدند و این شهر مملو از جمعیتی بود که از سراسر فلسطین آمده بودند.

